



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



جامعه شیعی و انتظار قیام

از امامان علیه السلام
در سیر تاریخی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامعه شیعی و انتظار قیام از امامان (ع) در سیر تاریخی

نویسنده:

محمدعلی قاسمی

ناشر چاپی:

مجله انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	جامعه شیعی و انتظار قیام از امامان (ع) در سیر تاریخی
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	انتظار قیام در جامعه شیعی
۱۰	قرآن و بشارت به آینده
۱۰	احادیث و بشارت به آینده
۱۰	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

جامعه شیعی و انتظار قیام از امامان (ع) در سیر تاریخی

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۳-۲۹۶۷۳

سرشناسه: قاسمی محمدعلی عنوان و نام پدیدآور: جامعه شیعی و انتظار قیام از امامان (ع) در سیر تاریخی قاسمی محمدعلی منشا مقاله:، انتظار، ش ۸، ۹، (تابستان و پاییز ۱۳۸۲): ص ۲۵۱ - ۲۶۲.
توصیفگر: مهدویت توصیفگر: تشیع توصیفگر: انتظار منجی توصیفگر: شیعیان توصیفگر: امامان توصیفگر: پیروان توصیفگر: جعفر بن محمد (ع)، امام ششم توصیفگر: حکومت توصیفگر: عدل

مقدمه

مسئله انتظار ظهور مصلح و منجی در تمام ادیان، [۱] اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا نجات جهان و بهبودی حال زمان، در ظهور او تحقق می‌یابد و با آمدنش، عصر روشن حکومت توحید و دوران طلایی تکامل عقل‌ها فرا می‌رسد. فرا رسیدن چنین روزی به دست چنان کسی، در همه ادیان الهی و مکتب‌های بشری نوید داده شده است و پیروان آن‌ها در انتظار آن به سر می‌برند و این است انتظار و شوقی مشترک و دیرین. بی‌گمان، عقیده به موعودی نجات بخش که در پایان جهان خواهد آمد، از مهم‌ترین مباحث اعتقادی است که در ادیان الهی وجود دارد، ولی این مسأله که موعود کیست و کی و کجا ظهور خواهد کرد، در همه ادیان یکسان نیست. در میان جامعه شیعی که با موضوع حقانیت امیرالمؤمنین علی (ع) نسبت به مقام «ریاست عالی بر امور دین و دنیا» دست کم از روزگار خلیفه سوم - به طور رسمی علیه خلیفه زمان مطرح شد، انتظار قیام امام مصلح و منجی، فرایندی تاریخی پیدا کرده است که این مقاله بر آن است تا در سیر تاریخی دیدگاه انتظار از منظر پیروان امامان معصوم (ع)، به کاوش پردازد. البته باید گفت ما در صدد تحقیق درباره انتظار قیام از سوی شیعیان هستیم که گاه به صورت انتظار مصلح کل نوید داده شده و گاه به عنوان حقانیت و صلاحیت احراز مقام حکومت از سوی امام (ع)، مطرح می‌شود.

انتظار قیام در جامعه شیعی

انتظار، در مراحل نخستین، ویژه زندگی بشر است. ماهیت زندگی انسان با انتظار و امید به آینده عجین است، به گونه ای که بدون انتظار و امید، زندگی مفهومی ندارد. هر انسان زنده‌ای در نخستین انتظارات خویش، به تداوم حیات می‌اندیشد و بقای خویش را انتظار دارد. بر این اساس، برخی از منتظران به این دلیل منتظرند که در سایه قیام مصلح، به آسایش و آرامشی فراتر از آن چه دارند، دست یابند. در این میان، انتظارات دیگری نیز هست که از انتظار اصل حیات و حیثه آن فراتر می‌رود چه بسا فرازهای زندگی، فدای آن می‌شود و آن انتظار، آرمان‌ها و هدف‌های برتر است که جهت‌گیری ویژه ای دارد. چنین انتظاری در سایه درخواست قیام از امامان معصوم (ع) به وسیله پیروان آنان در سیر تاریخی، تبلوری ویژه دارد. روند تاریخ و تعدیل اندیشه‌های تعصبی سبب شد تا در اعصار بعدی، بسیاری از اندیشمندان هوادار سنت اعتراف کنند که امامان - علیهم السلام - نسبت به مقام خلافت از خلفای هم زمان خویش، دارای حقانیت بیشتری هستند، تا جایی که حمدالله مستوفی در کتاب «تاریخ گزیده»، در فصلی با عنوان «در ذکر تمامی معصومین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین که حجه الحق علی الخلق بودند» می‌گوید: «ائمه معصوم اگرچه خلافت نکردند، اما چون مستحق ایشان بود، تبرکاً، از اصول ایشان، شمه ای بر سبیل ایجاز می‌رود». [۲]. چنین رویکردی، از اعتقادات تشکیل دهنده بنیان

شیعه است. [۳] شیعیان با این نگرش که امامان (ع) تنها کسانی هستند که از سوی خداوند و پیامبر (ص) و با نص امامی بعد از امام دیگر، حق حکومت بر جامعه اسلامی را دارند، اعتقاد داشتند که هر گاه شرایط و مقتضیات زمان فراهم گردد، امام شمشیر بر گرفته، قیام خواهد کرد و با راندن غاصبان مقام خلافت، حق پایمال شده خود را باز پس خواهد گرفت. شیعیان در هر دوره ای امید و انتظار داشتند که این موضوع در روزگار آنان رخ دهد و پیروان اهل بیت (ع)، از آن همه رنج و عذاب، سرکوب و فشارهای سیاسی که برای مدت طولانی تحمل کرده‌اند، آسوده شوند. دست کم از اواخر قرن اول هجری، انتظار و اعتقاد به ظهور یک منجی رهایی بخش از دودمان پیامبر (ص) که در آینده ظهور خواهد کرد و نظام فاسد را در هم خواهد شکست و حکومت عدل و قسط را پی خواهد ریخت، در همه اقشار جامعه اسلامی وجود داشته که شیعیان، این منجی رهایی بخش را به نام قائم می شناختند. گروهی از مسلمانان به دلیل هم نامی محمد بن حنفیه با پیامبر (ص)، او را امام و مهدی پنداشتند و می گفتند: «وی نمرده است و در کوه «رضوی» غایب می باشد و پس از این ظاهر می شود و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد». [۴]. در نخستین سال‌های قرن دوم هجری که نارضایتی مردم از بنی امیه بالا گرفته و خلافت و نظام حکومت اموی رو به ضعف نهاده بود، بسیاری از شیعیان امید داشتند که رئیس خاندان رسالت که در آن زمان، امام باقر (ع) بود، رهبری نهضت را به دست گرفته، قیام کند تا آن جا که راوی به امام باقر (ع) عرض می کند: «لقد ترکنا اسواقنا انتظاراً لهذا الامر...؛ همانا ما بازارهایمان را به خاطر انتظار قیام و تحقق این امر، رها کرده ایم...». [۵]. زراره، در نقل دیگری می گوید: «برخی از یاوران امام باقر (ع) به ایشان گفتند: انما نرجو ان تکون صاحبهم و ان یظهر الله عزوجل هذا الامر علی یدیک؛ همانا امید داریم که صاحب و امامی که خداوند قیام را به دست او ظاهر می سازد، شما باشید تا این امر به دست شما تحقق یابد». [۶]. اما امام (ع)، به این انتظار و توقعی که از سوی عموم مطرح بود، پاسخ مثبت نداد، بلکه هنگامی که از ایشان پرسیدند، چرا با وجود طرفداران فراوان خود در عراق، به قیام موعود و مورد انتظار عمومی دست نمی زنی، حضرت در پاسخ فرمود: «ای والله ما انا بصاحبکم؛ به خدا سوگند! من صاحب شما (مهدی) نیستم». [۷]. در سال های آخر دهه سوم قرن دوم که مسلمانان در سرزمین اسلامی، علیه حکومت جابرانه امویان به پا خاسته بودند و جامعه اسلامی نظاره گر انقلابی عظیم و عمومی بود، در اندیشه تمام شیعیان، امام صادق (ع) مهم ترین شخص از خاندان پیامبر (ص) بود [۸] و همگان انتظار داشتند که ایشان برای به دست گرفتن حکومت و ایفای نقش سیاسی خود، قدم پیش نهد. [۹] نامه‌های نوشته شده برای امام و درخواست قیام، بیانگر این امر است تا آن جا که سدید خدمت امام صادق (ع) می رسد، و می گوید؛ عرض کردم: «به خدا سوگند! نشستن و قیام نکردن برای شما جایز نیست. امام فرمود: چرا ای سدید؟ گفتیم: به خاطر این که شما دارای دوستان، پیروان و یاوران بسیاری هستید که اگر این تعداد شیعه و یاور برای امیرالمؤمنین، علی (ع) بود، هیچ کس در حق او طمع نمی کرد. حضرت فرمود: شیعیان و پیروانی که می گویی، چند نفرند؟ گفتیم: صد هزار نفر. امام با تعجب پرسید: صد هزار نفر! گفتیم: بلکه دویست هزار نفر! باز امام با تعجب پرسید: دویست هزار نفر! گفتیم: بله و بلکه نصف دنیا هوادار تو هستند...» [۱۰]. نکته‌ای دیگر که بر این ادعا و اثبات طرفداری و انتظار قیام از سوی امام صادق (ع) بهتر دلالت می کند، شواهدی است که نشان می دهد مردمان کوفه منتظر فرمان امام (ع) بوده‌اند، مانند: ابن عبدالرحمن، ابن نعیم و فیض بن مختار و سلیمان بن خالد که با نامه‌های خویش به آن حضرت خبر می دهند که مردم کوفه تنها منتظر دستور اویند تا شهر را از دست اردوی اموی مستقر در آن شهر، بیرون آورند و آنان را اخراج کنند. [۱۱]. البته امام (ع) در مقابل همه این درخواست‌ها و انتظارات قیام، مقاومت ورزید. خودداری امام از دخالت و بهره گیری از فرصت به ظاهر پیش آمده، طیف وسیعی از واکنش‌های گوناگون را در میان مردم پدید آورد، به گونه‌ای که برخی از هواداران امام (ع)، بدون مجامله می گفتند که با وضعیت فراهم آمده، سکوت و قیام نکردن ایشان حرام است. [۱۲] برخی دیگر تنها اظهار ناامیدی می کردند که چرا با فراهم آمدن چنین موقعیت مناسبی، روزگار رهایی و دوران طلایی موعود شیعیان، هم چنان دور به نظر می رسد. [۱۳] فراتر از این مرحله، امام (ع) نه تنها خود مطلقاً از فعالیت‌های نظامی - سیاسی دوری می جست، بلکه پیروانش را نیز به شدت از هر

عمل سیاسی بر حذر می داشت [۱۴] و به شیعیان دستور می داد که حق ندارند به هیچ یک از گروه‌های مسلح فعال پیوندند [۱۵] یا تبلیغات شیعی کنند. [۱۶]. در همه این موارد، امام صادق (ع) با صراحت به شیعیان خود می فرمود که او قائم آل محمد نیست و در روزگار زندگی و امامت او در وضع سیاسی جامعه شیعی، تغییری رخ نخواهد داد. هم چنین، ذهنیت جامعه اسلامی نسبت به قیام «قائم» و گسترش عدل و داد، سبب شد که عده ای از هاشمیان ادعای مهدویت کنند و چه بسا پیوستن بسیاری از مردم به محمدبن عبدالله (نفس زکیه) به خاطر اعتقاد به این بود که او قائم است، تا آن جا که می توان گفت: این خبر از پیامبر (ص) که «المهدی اسمی و اسم ابیه اسم ابی» از مجعولات طرفداران محمدبن عبدالله بن الحسن است که برای افزایش طرفداری مردم از وی به عنوان قائم و مهدی آخرالزمان، جعل شد. از سوی دیگر، زیدیه، واژه مهدی را به مفهوم نجات بخش انتهای تاریخ، در مورد رهبران خود هم چون نفس زکیه و محمدبن جعفر صادق و... به کار می بردند که علیه عباسیان قیام مسلحانه کرده بودند. ابن طاووس نمونه‌ای از کاربرد این واژه را در میان زیدیه نقل می کند که ابراهیم بن عبدالله بن حسن، برادر نفس زکیه، چنین می گوید: «خداوند متعال به پیامبرش (ص) وعده داده است که مهدی را از نسل و اهل بیت او قرار دهد، ولی او را به شخص و فرد معین نکرده است و زمان وقوع این قیام نیز تعیین نشده است و برادر من به خاطر به جا آوردن فرضیه امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد و اگر خداوند بخواهد او را مهدی قرار می دهد؛ زیرا این مقام فضلی از سوی خداوند است که به هر کس بخواهد عنایت می کند.» [۱۷]. این باور در میان برخی، چنان استوار شد که مفهوم نجات بخش را در باره برخی از امامان شیعه، پس از رحلتشان به کار برده‌اند؛ چنان که پس از شهادت امام صادق (ع)، گروه ناووسیه مدعی شدند که ایشان قائم است و دار فانی را وداع نکرده، بلکه غیبت کرده است. [۱۸]. البته ممکن است این پرسش پیش آید که چرا در طول تاریخ و با وجود امامان معصوم (ع)، ادعاهای فراوانی درباره مهدویت صورت پذیرفته است؟ در آن چه گذشت، برخی عوامل علاقه به قیام منجی (عج) مطرح شد، ولی این نکته قابل توجه بیشتری است که در پشت برخی از این ادعاها، اهداف و غرض‌های شخصی، مادی یا سیاسی قرار داشت، به گونه‌ای که برخی برای برآورده شدن آرزوها و گروهی برای روحیه دادن به یاوران خویش و برخی دیگر برای سودجویی‌های سیاسی و مادی، دست به چنین ادعایی می زدند و خویش را مهدی و منجی می نامیدند. [۱۹]. با وجود این، در همین زمان، بسیاری از شیعیان چنین مشکلی نداشتند؛ زیرا ذهنیت آنان از امام، تصدی مقام سیاسی یا تلاش برای استقرار حکومت عدل نبود، بلکه آنان وظیفه اساسی امام را به عنوان دانشمندترین فرد از خاندان رسالت، تعلیم حلال و حرام، تفسیر شریعت و تزکیه و تربیت اخلاقی جامعه می دانستند. [۲۰] به گمان آنان، جایگاه و نقش واقعی امام و دلیل اساسی نیاز به چنین فردی در جامعه، تشخیص حق از باطل و حفظ شریعت از دخالت نابکاران و بدعت گذاران است. [۲۱]. براساس دیدگاه این گروه، نیاز جامعه به امام، برای آن بود که مردم، مشکلات مذهبی خود را با وی در میان بگذارند و از او پاسخ کامل را دریافت کنند. در نتیجه، امام، بالاترین مرجع و منبع دانش مذهبی برای دریافت تفسیر صحیح شریعت و معنای درست و حقیقی قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) است. با وجود امام، همه اختلاف نظرها در مسایل مذهبی به وی ارایه می شود تا نظر درست را بیان کند و با پیروی از نظریه‌های او، اختلافی در میان مؤمنان پدیدار نیاید. [۲۲]. در پی قیام نکردن امام، دیدگاه انتظار قیام به سوی کاهش جنبه سیاسی امام پیش رفت و آن را تحت شعاع ویژگی‌ها و فایده‌های دیگر حضور امام قرار داد، تا آن جا که غالی‌گری و کیسانیه، موضوع فوق طبیعی بودن امام را، بیش تر از گذشته نمایان کردند. با گذر از عصر امام صادق (ع)، در زمان امامت حضرت موسی بن جعفر (ع) حدیثی بر سر زبان‌ها افتاد که هفتمین امام، قائم آل محمد (ص) است. [۲۳]. در این برهه از زمان، امام کاظم (ع) به وسیله وکیلان خود، با شیعیان در سراسر جهان اسلام، ارتباطی گسترده داشت و آنان وجوه شرعی و حقوق و واجبات مالی شیعیان را دریافت می کردند و برای امام می فرستادند. شاید خود این ارتباطها و امکانات مالی و تعرض رسمی امام کاظم به حکومت، [۲۴] سبب شد تا شیعیان، این زمان را به آرزوهای خود نزدیک تر بینند و تصور کنند آن که قیام می کند و آنان را از رنج و محنت نجات می دهد، هفتمین امام است. فعالیت گسترده امام کاظم (ع)

سبب شد تا هارون الرشید، خلیفه عباسی بيمناک گردد و دستور دهد امام را از مدینه به عراق فرا بخوانند که پس از چند سال، امام (ع) را در زندان شهید کردند. سخن شیخ مفید (ره) در کتاب الارشاد شاهد روشنی بر رویکرد بعضی شیعیان در زمینه قائم بودن امام موسی کاظم (ع) است: «در زمان حضرت موسی بن جعفر (ع) گروهی بودند که گمان می کردند آن حضرت همان قائم منتظر و مهدی موعود است و حبس و زندان او را همان غیبتی می دانستند که برای امام قائم ذکر شده است. از این رو، پس از شهادت آن حضرت، یحیی بن خالد دستور دارد جار بزنند که این موسی بن جعفر است که رافضیان گمان می کردند او امام قائم است و نخواهد مرد، پس او را بنگرید.» [۲۵]. همه اشارات ذکر شده نشانگر چگونگی اندیشه شیعیان هم عصر امامان (ع) درباره انتظار قیام ایشان است. گسترش فرهنگ انتظار در میان شیعیان سبب گشت آنان درباره هر امامی، توقع تحقق چنین جایگاهی را داشته باشند که روشن ترین شاهد بر این نکته پرسش آنان یا درخواست قیام از معصومین (ع) است. در تحلیل اندیشه واقفیه، می توان گفت این نکته که امام رضا (ع) خویش را آخرین امام نمی دانست و فرزندی نیز نداشت، آنان را در امام موسی بن جعفر (ع) متوقف کرد. اگرچه برخی از آنان پس از تولد امام جواد (ع)، از توقف خویش باز گشتند. آن چه در زندگی امام رضا (ع) آشکار می باشد، این است که آن حضرت با پذیرش ولایت عهدی تحمیلی، سبب امیدواری و افزایش شور و شوق شیعیان گشت. ایوب بن نوح می گوید: «انا لرجوان تکون صاحب هذا الامر و ان یرده الله عزوجل الیک من غیر سیف فقد بویع لک و ضربت الدرهم باسمک...» همانا ما امیدواریم که شما صاحب الامر و قیام کننده باشی و خداوند بدون شمشیر و جنگ این امر را به شما برگرداند؛ زیرا با شما بیعت شده است و در هم به نام شما ضرب شده است...» [۲۶]. در نقل دیگری، ریان از امام رضا (ع) می پرسد: «انت صاحب هذا الامر؟ آیا شما صاحب امر قیام هستید؟» [۲۷]. امام رضا (ع) در پاسخ این گونه پرسش ها، به بیان صفات و ویژگیهای «قائم» می پردازد و اعلام می دارد که وی، آن قیام کننده و برپا کننده عدالت و دادگستر جهان نیست، بلکه او در آینده خواهد آمد و همه وعده های بیان شده جامه عمل خواهد پوشید. گفتنی است امام نهم و دهم در سن خردسالی جانشین پدران خود شدند و این امر، این بحث را پیش آورد که آیا کودک هفت ساله از نظر شرعی و علمی می تواند واجد شرایط امامت و تصدی این مقام شود؟ مجموعه ای از سخنان صادقین (ع) و آن چه یاران و شاگردان ایشان تدوین کرده بودند، وظیفه شیعیان را در این مورد، تعیین می کرد. اندیشه اعتقادی به عصمت امام (ع) و تأیید او از ناحیه خداوند سبب می شود تا تفاوتی عملی در سنین مختلف امام پیش نیاید، افزون بر این که مناظره های علمی و آزمایش های گوناگون از این امامان، روشنگر موقعیت الهی آنان گشت. از آن جا که خلفای این دوران، بر خلافت و سلطنت، سیطره گسترده ای داشتند، تصور و انتظار قیام از سوی امام، کم رنگ تر شد. شهرستانی در کتاب «ملل و نحل» می گوید کسانی که قایل به امامت امام حسن عسکری (ع) بودند، پس از شهادت ایشان به یازده گروه تقسیم شدند. وی در تبیین اندیشه اولین گروه چنین می گوید: «الفرقه الاولی قالت: ان الحسن لم یمت و هو القائم، و لایجوز ان یموت و لاولد له ظاهر؛ لان الارض لا تخلو من امام، و قد ثبت عندنا ان القائم له غیبتان، هذه احدی الغیبتین، و سیظهر و یعرف ثم یغیب غیبه اخری.» [۲۸]. گروه اول کسانی هستند که قایلند، امام حسن عسکری (ع) نمرده است و قائم هم اوست؛ چه این که به ظاهر دارای فرزندی نبوده است. پس نباید مرده باشد؛ زیرا زمین نمی تواند از حجت و امام خالی باشد و نزد ما ثابت است که «قائم» دو غیبت دارد. این، یکی از آن دو غیبت است که به زودی ظاهر شده، شناخته می شود و برای بار دوم غایب می گردد. «درباره گروه دوم نیز می گوید که عقیده ایشان همانند گروه قبل است، با این تفاوت که این دسته قائلند که حضرت عسکری (ع)، از دنیا رفته است، ولی برای قیام زنده خواهد شد.» [۲۹]. صرف نظر از آن چه گفته شد، تحلیل مناسب تر از دوران سه امام اخیر این است که این زمان، عصر و کلا و ارتباط امامان (علیهم السلام) از راه و کیلان نشان است و تحلیل درست تر آن است که شرایط زمانه، رفتار و ارتباط امامان این دوران با شیعیان نشان، به گونه ای زمینه چینی و آماده ساختن شیعیان برای دوران غیبت امام عصر (عج) است. براساس آن چه پیش تر بیان شد، برخورد همه امامانی که مردم از آن ها انتظار قیام داشتند تا جامعه را با تحولی شگرف به سوی کمال معنوی و مادی پیش برند،

چراغ هدایتی به سوی «قائم» واقعی بوده است تا شیعیان زمان حضور و حتی عصر غیبت را با امام منتظر آشنا سازند. [۳۰]. اکنون هنگام پاسخ به این پرسش است که چرا شیعیان در طول تاریخ منتظر قیام قائمی هستند که گاه آن را با امامان هم عصر خویش تطبیق می‌کردند؟ این تصور ذهنی در گفتار روایان و سخن اطرافیان امامان(ع) به گونه‌های مختلفی تبلور یافته است که بخشی از نمونه‌های معمول‌تر آن گذشت. در ترسیم کامل و فهرست گونه‌ای برای تحلیل علت انتظار قیام از سوی شیعیان باید گفت که این امر بازتاب گذشته شیعیان و منابع فکری آنان است: ۱- آرزوی بشر این است که آینده‌ای مطلوب و درخشان را شاهد باشد. [۳۱] عقده‌های فرو خورده انسان‌ها در طول تاریخ، به انتهای این افق چشم دوخته است تا انسان والا و برگزیده‌ای از برگزیدگان خدا بیاید و تار و پود ستم را - که انسان‌های شیر در طول تاریخ تنیده‌اند - از هم بدرد. [۳۲] بنابراین، فطرت انسان، او را به سوی تلاش برای دستیابی به کمال و ایجاد دنیایی سالم و خالی از ستم، فرا می‌خواند. ۲- نوید و بشارت منابع دینی به آینده بشریت:

قرآن و بشارت به آینده

وراثت زمین، [۳۳] فراگیر شدن حق و از میان رفتن باطل؛ [۳۴] شایستگی انسان‌های نیک و سرسپردگان برای حق، [۳۵] گذر از دوران ترس و تقيه، محو همه مصادیق شرک، [۳۶] تحقق اراده ذات مقدس الهی و روشن کردن تمام زمین به نور هدایت خود، [۳۷] مفاهیمی است که در سراسر قرآن، به آینده زیبا نوید می‌دهد و در همه آن‌ها، رسیدن متقین به سعادت و آسایش مادی و معنوی آنان، تضمین می‌شود.

احادیث و بشارت به آینده

پیامبر گرامی اسلام(ص) در ضمن ۵۵۰ حدیث [۳۸] و یازده امام معصوم(ع) در قالب ۷۴۲ حدیث [۳۹]، تحقق آرمان الهی را در آینده بشر، تبیین کرده‌اند. بر اساس آن چه گذشت، تبیین قابل اطمینان از سبب انتظار شیعیان این است که آنان بر اساس هدفداری آفرینش انسان، اختیار و کمال جویی او، فطری بودن دین حق و تجسم دین کامل در اسلام، بشارت به بطلان پذیری باطل و همه جلوه‌های آن و هدایت‌های همیشگی خداوند برای بشریت و بشارت‌های پیامبر(ص) و امامان(ع)، منتظر روزی هستند تا همه این آرزوها را تحقق یافته ببینند. از این رو، به تطبیق رهبر و قائم حقیقی بر امامان حاضر در عصر خویش می‌پرداختند و گاه در قالب پرسش، انتظار خویش را از مصلح قائم(عج) به تصویر می‌کشیدند. البته با بررسی روایات بسیاری که در زمینه آینده بشریت و مهدی(عج) آمده است، در می‌یابیم که معصومین(ع) تمام مقدمات و زمینه سازی‌های لازم را برای کاهش آسیب‌های عصر غیبت صغری و کبری انجام داده‌اند. این زمینه‌سازی‌ها و بیان‌های روشن، در صدد ایجاد ذهنیت لازم درباره امام پنهان و تطبیق ندادن آن امام بر اشخاص دیگر بود تا همگام با برآوردن نیازهای اعتقادی شیعیان، آنان را از خطرهای عصر غیبت امام(ع) آگاه سازند.

پاورقی

- [۱] ناصرالدین صاحب الزمانی، دیباچه‌ای بر رهبری، ص ۸۶ به بعد؛ جلال ستاری، جان‌های آشنا، صص ۴۴۱ - ۴۴۲.
- [۲] شیخ صدوق، الاعتقادات، تحقیق: عصام عبدالسید، بیروت، دارالمفید للطباعة والنشر، ۱۴۱۴ هـ، صص ۹۳ - ۹۴.
- [۳] شیخ کلینی، الروضة من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۹ ق، چ ۲، ج ۸، صص ۸۰ - ۸۱ ح ۳۷؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۹؛ غیبت نعمانی، صص ۲۶۶، ۲۸۷، ۲۸۸ و ۲۹۵.
- [۴] شهرستانی، ملل و نحل، ج ۱، ص ۲۴۲؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۹۲؛ مقدمه ابن خلدون، ص ۲۱۹.
- [۵] اصول کافی، ج ۸، ص ۸۰.

- [۶] همان، ص ۳۴۱، ح ۵۳۸.
- [۷] اصول کافی، ج ۱، صص ۳۴۲، ۳۶۸ و ۵۳۶، ح ۱؛ محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی، کتاب الغیبه، بیروت، مؤسسه ال-اعلمی المطبوعات، ۳. ع: ه، ص ۱۱۱.
- [۸] اصول کافی، ج ۸، صص ۱۵۹ - ۱۶۰، ح ۱۵۸. قال له سلیمان بن خالد: «و ما فی الارض احب الیهم منک...».
- [۹] همان، ج ۱، ص ۳۷۰ و ج ۸، ص ۳۳۱، ح ۵۰۹؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۳۶۲.]
- [۱۰] همان، ج ۲، صص ۲۴۲ - ۲۴۳.
- [۱۱] ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی، اختیار معرفه الرجال، تصحیح: حسن مصطفوی، مشهد، انتشارات دانشگاه الهیات، ۱۳۴۸، صص ۳۵۳ - ۳۵۴.
- [۱۲] اصول کافی، ج ۲، ص ۲۴۲.
- [۱۳] همان، ج ۱، ص ۳۶۸.
- [۱۴] شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، نشر رضا مشهدی، قم، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۱۰، ح ۷۵.
- [۱۵] رجال کشی، ص ۳۳۶، ح ۶۱۵ و صص ۳۸۳ - ۳۸۴، ح ۷۱۷.
- [۱۶] اصول کافی، ج ۲، صص ۲۲۱، ۲۲۶، ۳۶۹ و ۳۷۲.
- [۱۷] جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ترجمه: محمد تقی آیت‌اللهی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷، صص ۳۶ - ۳۵.
- [۱۸] مهدی فقیه ایمانی، اصالت مهدویت در اسلام، قم، انتشارات نمونه، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷.
- [۱۹] برای آگاهی بیشتر ر.ک: همان، صص ۱۴۴ - ۱۴۵؛ نعمت الله صفری، غالیان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۶.
- [۲۰] اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۸؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ ه. ق، صص ۲۲۳ و ۲۲۹.
- [۲۱] کمال الدین، صص ۲۲۱ و ۲۸۱.
- [۲۲] اصول کافی، ج ۱، صص ۱۷۰ - ۱۷۲.
- [۲۳] ملل و نحل، ج ۱، صص ۱۴۹ - ۱۵۰. «حیث قال الصادق (ع): سابعکم قائمکم... و هو سابعکم قائمکم هذا و اشارالی ولده...»
- [۲۴] موسی الکاظم؛ رجال کشی، ص ۴۷۵.
- [۲۵] رجال کشی، ص ۴۴۱.
- [۲۵] شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۵.
- [۲۶] کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰.
- [۲۷] همان، ۳۷۶.
- [۲۸] شهرستانی، ملل و نحل، ج ۱، ص ۱۵۲.
- [۲۹] همان.
- [۳۰] برای آگاهی بیشتر ر.ک: به کتاب الغیبه، صص ۱۵۷ و ۱۸۸.
- [۳۱] سخنرانی مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵/۹/۷۷.
- [۳۲] سخنرانی مقام معظم رهبری در جشن بزرگ منتظران ظهور، ۲/۹/۷۸.

[۳۳] اعراف، ۱۲۸.

[۳۴] اسراء، ۸۱.

[۳۵] انبیاء، ۱۰۵ - ۱۰۷.

[۳۶] نور، ۵۵.

[۳۷] توبه، ۳۲ و ۳۳.

[۳۸] معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱ و ۲.

[۳۹] همان، ج ۳ و ۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتعم فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

(الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

(ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

(ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

